

گروه های فعلی

مستقبل (آینده)

مضارع (حال)

ماضی (گذشته)



adabkhane.com

۱۴ - ماضی ساده

۱۶ - ماضی استمراری

۱۸ - ماضی بعید

۲۰ - ماضی التزامی

۲۳ - فعل مستقبل

۱۲ - مضارع مستمر

۱۵ - ماضی نقلی

۱۷ - ماضی مستمر

۱۹ - ماضی أبعد

۲۲ - کاربرد زمان
مستقبل



فهرست

۱ - فعل

۲ - فعل ساده

۳ - فعل پیشوندی

۴ - فعل مرکب

۵ - راه تشخیص فعل
مرکب از دیگر افعال

۶ - فعل پیشوندی
مرکب

۷ - عبارت فعلی

۹ - مضارع ساده

۱۰ - مضارع اخباری

۱۱ - مضارع التزامی

فعل



ساختار فعل

فعل ساده

فعل پیشوندی

فعل مرکب

فعل پیشوندی
مرکب

عبارت فعلی

شرح ساختار فعل ها در
نماهای بعد

فعل به بخشی از جمله گفته می شود. فعل ها، واژه یا گروه واژگانی هستند که روی دادن کاری، یا انجام شدن حالتی را در یکی از زمان های (گذشته، حال، آینده) به چیزی یا شخصی نسبت می دهند. فعل، پیوسته مهم ترین بخش جمله است.

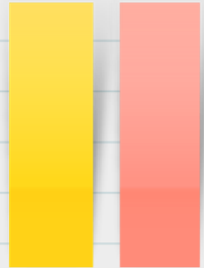


فعل ساده

فعلی است که مصدر آن بیش از یک کلمه نباشد .




نمونه : گفت (از مصدر گفتن)





فعل پیشوندی

فعلی است که از یک پیشوند و یک فعل ساده ساخته شده باشد 

نمونه : فراگرفت = فر + گرفت 

پیشوندها عبارت است از : 

بر(برداشتن) | در(درافتادن) | باز(بازماندن) | فر(فرسودن) |

فرو(فروکشیدن) | فرا(فرارسیدن) | پس(پس رفتن) | وا(وارفتن) |

ور(ورآمدن)





فعل مرکب

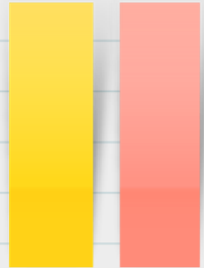
فعلی که از یک واژه (= فعل یار) با یک فعل شناخته شده ساده (= همکرد) ، ساخته شده و کلمه های سازنده آن با هم ، نقش یک فعل را بازی کرده و معنای کاملی را نیز برسانند.



نمونه : پدید آمد = فعل یار + آمد = فعل ساده یا همکرد



مثال دیگر : انجام داد.





راه تشخیص فعل مرکب از دیگر افعال



راه تشخیص فعل مرکب از دیگر افعال ، آن است که نمی توان بخش یکم (فعل یارا) را گسترش پذیر یا نقش پذیر کرد . یعنی نمی توان به بخش نخست فعل مرکب ، پسوندهای : تر ، ی ، ها و صفت یا نقش داد.



مثال درست فعل مرکب :

تصویری در آینه «پدید آمد»



مثال نادرست فعل مرکب :

تصویری در آینه «پدیدی آمد» / «پدیدتر آمد»
«آمد» / «پدیدها آمد» / «پدید زیبا آمد»

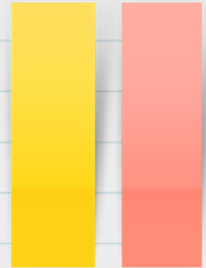
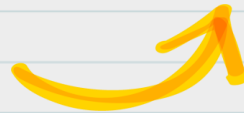


فعل پیشوندی مرکب

از ترکیب یک اسم + یک پیشوند + یک فعل ساده، ساخته می‌شود 

نمونه  : دم در کشیدن (=خاموش شدن) | سر در آوردن (=فهمیدن) |


تن در دادن (=تسلیم شدن) | سرباز زدن (=خودداری کردن)





عبارت فعلی

نکته: به نظر می رسد که شایسته باشد «عبارت فعلی» را نوعی دیگر از فعل «پیشوندی مرکب» بدانیم

فعلی است که به صورت دسته‌ای از کلمه هاست و دست کم سه جزئی بوده و گاه حرف اضافه 

(به ، با ، در...) دارد. «حرف اضافه + کلمه + فعل».

اگرچه این حرف اضافه ، نقش نما نیست و نمی توان کلمه بعد از آن را متمم دانست 

نمونه : به خاطر آوردن . به خاطر را نمی توان حذف کرد. 

مثال های دیگر : از چشم افتادن (از + چشم + افتادن)

به کار گرفتن (به + کار + گرفتن)

دست به کاری زدن (دست + به + کاری + زدن)



گروه فعلی (۱) : حال مضارع



انواع مضارع

مضارع ساده

زمان حال یا زمان مضارع در

مضارع اخباری

زبان فارسی به رویداد یا وجود

مضارع التزامی

حالتی (به صورت مثبت یا

مضارع مستمر /

منفی) در زمان حال یا آینده

مستمر جاری

می پردازد و دارای انواعی است

مانند بخوانم ، می خوانم و ...

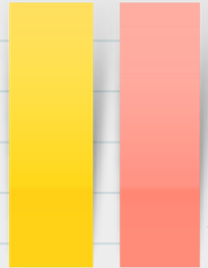




مضارع ساده

طرز ساخت : بن مضارع + شناسه

نمونه : روم ، روی ، رود و ...






حالِ اِخباری (مضارعِ اِخباری)

فعلی که وجود حالتی یا رویداد واقعه‌ای را به طور قطعی در زمان حال یا آینده نزدیک بیان می‌کند (به زبان ساده خبری را به ما می‌دهد)


طرز ساخت: نشانه "می" + بن مضارع فعل + شناسه 


نمونه: می‌روم ، می‌روی ، می‌رود و ... 




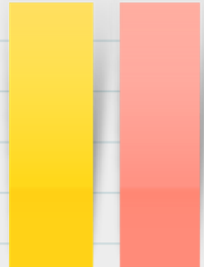
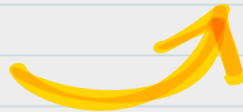


مضارع التزامی

به وقوع کاری با تردید ، شرط یا آرزو در زمان حال دلالت دارد 

طرز ساخت : نشانه "ب" + بن مضارع فعل + شناسه 

نمونه : بروم ، بروی ، برود و ... 





حال مستمر (مضارع مستمر یا ملموس یا جاری)

فعلی که انجام آن هم اکنون در حال جریان است

طرز ساخت

فعل کمکی مضارع ساده از مصدر داشتن + شناسه (دارم، دارای، دارد، داریم، دارید، دارند) + مضارع اخباری

نمونه

دارم می روم ، داری می روی ، دارد می رود و ...



گروه فعلی (۲) : گذشته / ماضی



انواع ماضی

ماضی ساده

ماضی نقلی

ماضی
استمراری

ماضی مستمر
/ مستمر جاری

ماضی بعید

ماضی أبعد

ماضی التزامی

فعلی است که در
زمان گذشته انجام
شده است

مانند خواندم ، خوانده ام ،
می خواندم و ...

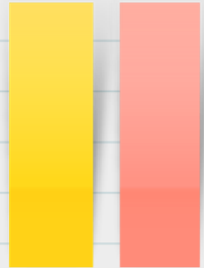


ماضی ساده

فعلی است که در گذشته انجام شده و به پایان رسیده است

طرز ساخت : بن ماضی + شناسه

نمونه : رفتم ، رفتی ، رفت و ...





ماضی نقلی (گذشته زنده)

برای بیان کاری که در گذشته انجام گرفته و اینک عمل بعد آن مورد نظر است و ما

آن را احساس می کنیم

طرز ساخت :

بن ماضی + ه + ام ، ای ، است ، ایم ، اید ، اند

نمونه : رفته ام ، رفته ای ، رفته است و ...







ماضی استمراری (گذشته پیوسته)

گذشته پیوسته برای بیان کاری که در گذشته به صورت پیوسته ادامه داشته یا بارها تکرار 


شده است به کار می رود.




ساختار ۱: می + ماضی ساده (می رفتم) 

ساختار ۲: گاهی در قدیم به جای « می » از پیشوند « همی » استفاده می کردند : همی + ماضی ساده 
(همی رفتم / همی رفتم)


همی کشت و همی گفت ای دریغا / که باید کشتن و هشتن در این دشت (باباطاهر)

ساختار ۳: گاهی در قدیم به جای « می » در اول فعل ، از پسوند « ی » در آخر فعل استفاده می شد : ماضی ساده + ی (رفتمی) | « کبوتران به طاعت و مطاوعت او روزگار گذاشتندی » (کلیله و دمنه) 

● دو شکل ۲ و ۳ در گذشته مرسوم بوده و امروزه در زبان فارسی معیار ، کاربرد ندارد. 



ماضی مستمر یا ملموس یا جاری (گذشته یادآوری)

فعلی که در گذشته در حال وقوع بوده و توسط فعل دیگری قطع شده است. 

طرز ساخت


فعل کمکی ماضی ساده از "داشتن" + شناسه (داشتم، داشتی، داشت و ...) + ماضی استمراری فعل اصلی


نمونه


داشتم می رفتم ، داشتی می رفتی ، داشت می رفت و ...

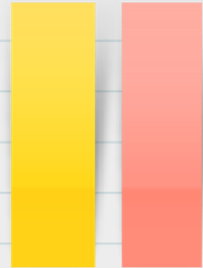


ماضی بعید

فعلی که در گذشته و قبل از فعل های دیگر و در گذشته دورتر انجام گرفته است 


طرز ساخت : بن ماضی + ه (=صفت مفعولی) + بود (فعل کمکی) + شناسه 


نمونه : رفته بودم ، رفته بودی ، رفته بود و ... 






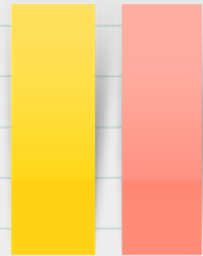
ماضی اَبَعَد (گذشته بسیار دور)

برای بیان عملی در گذشته بسیار دور و بیشتر در حکایت‌ها استفاده می‌شود. 

طرز ساخت : صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + ماضی نقلی از مصدر «بودن» 


نمونه : رفته بوده‌ام، رفته بوده‌ای، رفته بوده‌است (رفته بوده‌است)، رفته بوده‌ایم، 


رفته بوده‌اید، رفته بوده‌اند




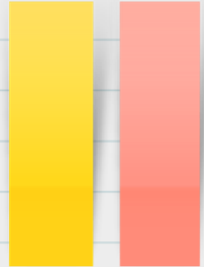


ماضی اِلتِزامی (گذشته درخواستی)

فعلی است که در زمان گذشته با تردید، شرط و آرزو انجام شده باشد 

طرز ساخت : بن ماضی + ه (=صفت مفعولی) + باش (فعل کمکی) + شناسه 

نمونه : رفته باشم ، رفته باشی ، رفته باشد و ... 



گروه فعلی (۳): آینده / مستقبل



انواع مستقبل

فعل کمکی
مضارع ساده

فعلی است که در زمان آینده انجام

شده است

شرح کاربرد زمان مستقبل

در نهای بعد

مانند خواهم خواند و ...

کابرد زمان مستقبل



کاربرد زمان آینده در پارسی معیار معمولاً در نوشتار است و در گفتار اغلب به جای آن از حال اخباری استفاده می‌شود.

نمونه : فردا به فرودگاه خواهم رفت. فردا به فرودگاه

می‌روم.



فعل آینده / مستقبل

طرز ساخت :

فعل آینده یا مستقبل از مصدر خواستن + شناسه (خواهم ، خواهی ، خواهدو...) + بن ماضی فعل اصلی

نمونه :

خواهم رفت ، خواهی رفت ، خواهد رفت و ...





گروه دانشوران

دکتر علیاری - صادق خیری - محمدجواد برخوردار
زیر نظر دکتر ایلیا (حسین محمدی مبارز)

گروه های فعلی

